

## نقش سرمایه فرهنگی در تحقق شهروندی بوم‌شناختی

محمدباقر علیزاده اقدم<sup>۱</sup>، حسین بنی‌فاطمه<sup>۲</sup>، محمد عباس‌زاده<sup>۳</sup>، سعید سلطانی بهرام<sup>۴</sup>  
دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۴؛ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۶

### چکیده

توسعه صنعتی و فناورانه جوامع، تغییر الگوی مصرف زمین، و مدیریت نادرست در بهره‌برداری از طبیعت، موجب آسیب‌پذیری چرخه حیات، ارگانیزم‌های گیاهی و جانوری و چشم‌اندازهای طبیعی شده است. در این راستا، جامعه‌شناسی محیط زیست با تکیه بر تفسیر بوم‌شناختی، در پی بررسی مشکلات زیست‌محیطی با بهره‌گیری از دانش جامعه‌شناسی است؛ بنابراین، گونه جدیدی از شهروندی با عنوان «شهروندی بوم‌شناختی» شکل گرفته است که بر وظیفه‌مندی و مسئولیت‌پذیری متعهدانه شهروندان مبتنی است و نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی می‌تواند در افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندان نقش مهمی ایفا کند. در این مقاله ارتباط شهروندی بوم‌شناختی و سرمایه فرهنگی با استفاده از روش پیمایشی بررسی شده است. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه بوده که با بهره‌گیری از پژوهش‌های خارجی، طراحی و با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه‌های آن، مشخص و بومی‌سازی شده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز در سال ۱۳۹۴ هستند که ۶۷۰ نفر از آنان با استفاده از فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شهروندی بوم‌شناختی با میزان ۷۸/۵۷ درصد، از وضعیت نسبتاً خوبی در بین شهروندان تبریزی برخوردار است، لیکن، میزان برخورداری شهروندان از سرمایه فرهنگی (۵۲/۹۷ درصد) تا حدی کم بوده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (غیر از بعد نهادی) با شهروندی بوم‌شناختی، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون رگرسیون نیز حاکی از این است که ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی توانسته‌اند ۷/۴ درصد واریانس مربوط به شهروندی بوم‌شناختی را تبیین کنند.

**کلیدواژه‌ها:** شهروندی بوم‌شناختی، سرمایه فرهنگی، جامعه‌شناسی محیط زیست، تبریز.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

Email: aghdam1351@yahoo.com

۲. استاد جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Email: banifatemeh@yahoo.com

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Email: m.abbaszadeh2014@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Email: s.soltani@tabrizu.ac.ir

## مقدمه

محیط زیست طبیعی، پدیده‌ای ثابت و مطلق است که توان اکولوژیکی محدودی برای استفاده انسان دارد. از سوی دیگر، همین محیط زیست تحت تأثیر عوامل متعددی مانند توسعه شهرها، گسترش واحدهای مسکونی و صنعتی، ایجاد تغییر در الگوی مصرف زمین و مدیریت نادرست، به‌طور قابل توجهی دچار فرسایش می‌شود که این امر آسیب‌پذیری چرخه حیات، ارگانسیم‌های گیاهی و جانوری و چشم‌اندازهای طبیعی را در پی دارد و در نتیجه جامعه پایدار را با مشکل روبه‌رو می‌کند؛ بنابراین، برای تحقق جامعه پایدار، انجام پژوهش‌هایی در راستای ارزیابی همه‌جانبه پیامدهای محیط زیست طبیعی بر زندگی انسان از منظرهای گوناگون به‌ویژه رویکرد جامعه‌شناختی، از اهمیت زیادی برخوردار است. از نگاه اندیشمندان علوم انسانی، تغییر زیست‌محیطی به همان اندازه که مسئله علوم طبیعی است، مسئله علوم اجتماعی نیز هست؛ بنابراین، درک، تبیین و حل مشکلات زیست‌محیطی مستلزم توجه به دانش جامعه‌شناسی است. در این راستا، با توجه به رویارویی جوامع انسانی با مشکلات محیطی، جامعه‌شناسی محیط زیست به‌عنوان شاخه نسبتاً نوپای جامعه‌شناسی، ارتباط جامعه و محیط طبیعی را به‌صورت علمی بررسی کرده و ظرفیت‌های اجتماعی و انسانی در حفظ یا تخریب محیط زیست را مطالعه می‌کند؛ بنابراین، مهم‌ترین دستاورد جامعه‌شناسی محیط زیست، ارائه این تصور بوده است که مشکلات زیست‌محیطی همواره مشکلات اجتماعی نیز هستند، زیرا رابطه بین انسان‌ها و محیط زیست‌شان را دربر می‌گیرند. بر همین اساس، اگر قرار باشد راه‌حلی برای مشکلات زیست‌محیطی پیدا شود، این مردم و کل جوامع هستند که باید رفتارهای ویرانگر کنونی خود را تغییر دهند (ساتن<sup>۱</sup>، ۱۳۹۲، ۵۵).

چنانچه افراد بتوانند در پیوند با محیط طبیعی به خود هویت ببخشند، عقاید انسان‌محورانه مبتنی بر برتری انسانی به‌چالش کشیده شده و منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای بوم‌محور خواهد شد. چنین جامعه‌ای به‌جای اینکه اکوسیستم‌های طبیعی را نادیده بگیرد، طبیعت را در اولویت نخست قرار داده و سازمان‌های اجتماعی را متناسب با آن شکل می‌دهد. آنچه این تغییرات را ایجاد می‌کند، ظهور شکل جدیدی از شهروندی است، که اسمیت<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) آن را شهروندی بوم‌شناختی<sup>۳</sup> و بل<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) آن را شهروندی زیست‌محیطی<sup>۵</sup> نامیده



1. Sutton
2. Smith
3. ecological citizenship,
4. Bell
5. environmental citizenship

است. از نگاه اسمیت، شهروندی بوم‌شناختی، نوعی از شهروندی است که حقوق و مسئولیت‌های شهروندی اکولوژیکی، محورهای اصلی آن به‌شمار می‌آیند (به نقل از ساتن، ۱۳۹۲، ۹۶).

شهروندی بوم‌شناختی بر مبنای شهروندی اجتماعی شکل گرفته و به نقش مشارکتی شهروندان در ایجاد جهان پایدار اشاره دارد (آنانتارامان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴، ۱۷۴). در شهروندی بوم‌شناختی، شهروند به دنبال گسترش اصول جهانی مرتبط با حقوق زیست‌محیطی و گنجاندن آن در قانون، فرهنگ، و سیاست است. در این نوع شهروندی، حد و مرزی بین حوزه عمومی و خصوصی مطرح نمی‌شود. این موضوع، به این معنی است که، تصمیم‌های ما در زندگی روزمره—مانند اینکه با آشغال و زباله چه کنیم، چگونه سفر کنیم، چه چیزی بخوریم، و...—به اندیشیدن درباره پیامدهای زیست‌محیطی آن‌ها نیاز دارد (کھیل، ۱۳۸۷، ۱۸۵).

به‌علاوه، براساس نگرش شهروندی بوم‌شناختی، ما باید تعهدمان را به جانوران تشخیص دهیم و در نظر داشته باشیم که در این دنیا، ما تنها موجودات ذی‌شعور نیستیم و باید اثر شیوه زندگی انسان را بر حیات جانوران و سایر موجودات زنده طبیعت در نظر بگیریم (اسمیت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). دابسون<sup>۳</sup> شهروندی بوم‌شناختی را روابط بین شهروندان براساس احترام و مسئولیت متقابل و عدالت اجتماعی تعریف می‌کند (پتروویچ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲، ۵۰؛ دابسون، ۲۰۰۳، ۶۷). لایت<sup>۵</sup>، شهروندی بوم‌شناختی را مسئولیت‌پذیری انسان در برابر طبیعت قلمداد می‌کند و معتقد است، شهروندی بوم‌شناختی بر مبنای مسئولیت‌پذیری داوطلبانه و متعهدانه شهروندان بنا شده است (کلی و آبل<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲، ۴).

از سوی دیگر، نوع رفتار و کنش با محیط زیست از مواردی است که در زندگی انسان، اهمیت اساسی دارد، زیرا محیط زیست طبیعی پایه زندگی انسان، و حفظ زندگی انسان، مستلزم حفظ محیط زیست است؛ بنابراین، رفتارها و کنش‌های افراد و شهروندان در ارتباط با محیط زیست، می‌تواند تأثیر دوگانه‌ای بر محیط اطراف انسان داشته باشد؛ از یک‌سو، رفتارها و فعالیت‌های شهروندان در ارتباط با محیط پیرامونشان می‌تواند موجب وارد شدن آسیب‌های جدی به محیط زیست شود (دانلپ و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲؛ جکسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶)، کما اینکه، بسیاری اندیشمندان،

1. Anantharaman
2. Smith
3. Dobson
4. Petrovic
5. Light
6. Kelly and Abel
7. Dunlap et al
8. Jackson





نابسامانی‌ها و برهم خوردن تعادل زیست محیطی را نتیجه رفتارهای نابخردانه انسان می‌دانند که مسائل و مشکلاتی مانند آلودگی‌های جوی، هدررفت منابع، انتشار گازهای گلخانه‌ای، و... را در پی داشته است، از سوی دیگر، رفتارها و کنش‌های شهروندان می‌تواند مبتنی بر نگاه اکولوژیک به محیط پیرامون بوده و منابع طبیعی به‌گونه‌ای بهینه استفاده شوند و در راستای نزدیک شدن به جامعه پایدار، گام برداشته شود. در این راستا، سرمایه فرهنگی از طریق سازوکار آگاهی‌بخشی به شهروندان می‌تواند به‌عنوان عاملی برای ایجاد کنش‌های مسئولانه و متعهدانه انسان‌ها در برابر محیط زیست باشد. از آنجاکه سرمایه فرهنگی امری مولد است، شهروندان را قادر می‌کند که ارزشی به‌وجود آورند (ارزش زیست محیطی)، به هدفی برسند (پایداری محیط طبیعی)، مأموریتی را در زندگی انجام داده و نقشی در جهان ایفا کنند (جهان قابل سکونت برای آیندگان).

سرمایه فرهنگی به شیوه‌های فرهنگی خاصی که در روند آموزش‌های رسمی و خانوادگی (آموزش زیست محیطی) در افراد، تثبیت شده است، اشاره دارد و نیز ظرفیت شناخت افراد در کاربرد لوازم فرهنگی مانند بازیافت زباله‌ها را دربر می‌گیرد؛ بنابراین، نقش سرمایه فرهنگی در تحقق شهروندی بوم‌شناختی، دارای اهمیت شایانی است (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱، ۹۴).

با توجه به اینکه شهر تبریز، بزرگ‌ترین اجتماع زیستی در شمال غرب و غرب کشور محسوب می‌شود و همچنین، دارای مرکزیت اداری، صنعتی، و اقتصادی و سطح بالای تمرکز فعالیت‌های صنعتی و خدمات بوده است، بنابراین در افزایش جمعیت ساکن، و توسعه ناپایدار شهری، رشد شتابانی داشته است. به تبع این امر، فشارهای فیزیکی و طبیعی، انواع آلودگی هوا و آلودگی صوتی، تولید انبوه زباله و دیگر مشکلات زیست محیطی در شهر تبریز روبه‌گسترش است (بیزخواستی و همکاران، ۱۳۹۲، ۳؛ بابایی اقدم، ۱۳۸۶، ۱۷۰). همچنین، امروزه آلودگی زیست محیطی، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که بشر به‌دلیل پیشرفت‌های فناوری و دست‌کاری بی‌رویه در محیط زیست با آن درگیر است. با توجه به روند فزاینده افزایش آلودگی‌های زیست محیطی مانند آلودگی آب‌وهوا یا خاک در شهرهای بزرگی مانند تبریز، اهمیت حفاظت از محیط زیست و مهار این آلودگی‌ها روزبه‌روز افزایش می‌یابد (هاشمی بناب و رفیعی، ۱۳۹۱، ۷۷).

با توجه به موارد یادشده، مطالعه شهروندی بوم‌شناختی و عوامل مرتبط با آن، ضروری به‌نظر می‌رسد. بر این اساس، می‌توان گفت، فهم سیاست‌های شهروندی بوم‌شناختی، تنها با رویکرد میان‌رشته‌ای امکان‌پذیر است (ریاضی، ۱۳۹۲، ۱۱۰)؛ بنابراین، این مقاله در پی این است که شهروندی بوم‌شناختی را در سنت نظری جامعه‌شناختی، بررسی کند. در پژوهش‌های پیشین، شهروندی مبتنی بر حقوق و تکالیف افراد تلقی می‌شد و شهروندان، ضمن اینکه تکلیف‌هایی در ارتباط

با محیط اطراف خود داشتند، از حقوق متناسب با آن تکالیف نیز بهره‌مند می‌شدند که در پژوهش‌های پیشین، از این امر، به شهروندی زیست‌محیطی یاد شده است. شهروندی بوم‌شناختی به دنبال طرح و بررسی این مسئله است که انسان‌ها در ارتباط با محیط پیرامون خود، دارای وظیفه و تعهد هستند و این متعهد بودن، هیچ حقی برای آن‌ها به همراه نخواهد داشت. اصول شهروندی جهانی نیز وظیفه و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها را فارغ از مرزهای جغرافیایی، برجسته می‌کنند. بنابراین، در این مقاله، شهروندی بوم‌شناختی در میان شهروندان شهر تبریز، از طریق استخراج مؤلفه‌های آن و با استفاده از داده‌های به دست آمده، تحلیل و بررسی شده است. همچنین این پژوهش درصدد است که نقش سرمایه فرهنگی را در شهروندی بوم‌شناختی در جامعه آماری مورد مطالعه، بررسی کند.

### ۱. چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

مفهوم شهروند، به این معناست که فرد از حقوق معینی برخوردار بوده و تابع تکالیف و وظایف مشخصی است (داگر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱، ۷۱۶؛ به نقل از نرگسیان، ۱۳۹۳، ۴). موقعیت شهروند بر نوعی حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت، شهروندی یک موقعیت عضویت است که مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات را دربر می‌گیرد و بر برابری، عدالت، و استقلال دلالت دارد (فالكس، ۱۳۹۰، ۱۲). شهروندی می‌تواند از یک دیدگاه جامع‌تر برحسب چهار جزء با عنوان‌های حقوق، تکالیف، مشارکت، و هویت، تعریف شود (دلنتی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷، ۱۶؛ به نقل از نرگسیان، ۱۳۹۳، ۵). واژه اکولوژی<sup>۳</sup> (بوم‌شناسی) از دو کلمه یونانی «اویکوس<sup>۴</sup>» به معنی محل زیست و مسکن و «لوگوس<sup>۵</sup>» به معنی دانش مطالعه، ترکیب شده است. در بوم‌شناسی، به توان سازگاری و انطباق‌پذیری موجودات زنده با محیط توجه می‌شود، اما در مورد انسان که دارای ساختارهای خاص فرهنگی و اجتماعی است، این سازگاری و انطباق‌پذیری با سازگاری گونه‌های گیاهی و حیوانی تفاوت دارد (متفکر آزاد و خورشیددوست، ۱۳۹۰، ۹). امروزه نیز بوم‌شناسی را مطالعه سیستم‌های طبیعی در سطحی می‌دانند که در آن انسان‌ها با کل موجودات زنده به عنوان اجزایی از یک سیستم، در کنش متقابل هستند. این کنش متقابل هم بین خود اجزا و هم بین عوامل غیرزنده محیط برقرار است (ارلهاف و مارشال<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸).

1. Dagger
2. Delanty
3. ecology
4. oikos
5. logos
6. Erlhoff and Marshall





پایداری به‌عنوان سیاست غالب زیست‌محیطی، به ارتباط بین جوامع مصرفی، عوامل زیست‌محیطی و سیاست‌های اجتماعی اشاره دارد (کهییل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲، ۲). مفهوم پایداری، دارای ابعاد وابسته به هم بسیاری (شامل ابعاد بوم‌شناختی، اقتصادی، سیاسی، و معرفت‌شناختی و نیازمند نوعی رهیافت مشارکتی، جامع و بین‌رشته‌ای برای برنامه‌ریزی، پیاده‌سازی و ارزیابی است (اوکاگا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). توسعه پایدار<sup>۳</sup> بنا به تعریف گزارش برانتلند<sup>۴</sup> عبارت است از کاربرد منابع تجدیدشونده و احیاءپذیر برای پیشبرد رشد اقتصادی، حفاظت از گونه‌های جانوری و تنوع زیستی، و پایبندی به حفظ پاک‌ی هوا، آب و خاک. کمیسیون برانتلند، توسعه پایدار را «تأمین‌کننده نیازهای زمان حاضر بدون به‌خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان» قلمداد می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۹، ۸۸۴).

در جامعه پایدار بر نقش شهروندی تأکید می‌شود و در علم جامعه‌شناسی محیط زیست، شهروند محیط‌زیستی در کنار شهروند مدنی مطرح است (برکowitz<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). دابسون (۲۰۰۳) معتقد است، در دوره سوم مطالعات شهروندی - دوره پساجهان‌شهرگرایی<sup>۶</sup> - ویژگی‌های خاصی وجود دارد که آن را از دوره‌های پیشین متمایز می‌کند. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، تأکید بر وظیفه و تعهد در شهروندی بوم‌شناختی به‌جای تأکید بر حقوق است. با توجه به اینکه شهروندی بوم‌شناختی مبتنی بر شهروندی جهانی است، در اینجا دیگر حقوقی برای شهروندان مطرح نیست، بلکه آنان متعهد می‌شوند فعالیت‌های خاصی را در راستای دستیابی به جامعه پایدار انجام دهند. نالی<sup>۷</sup> نیز در تشریح ابعاد شهروندی بوم‌شناختی، موارد مشابهی را مطرح می‌کند. به‌باور وی، شهروندی بوم‌شناختی دارای ویژگی‌هایی مانند مسئولیت غیرمقابل، توجه به حوزه عمومی و خصوصی، توجه به فضیلت (ارزش) شهروندی بوم‌شناختی، و غیرقلمروی بودن است (نالی، ۲۰۱۰).

یکی از مهم‌ترین تبیین‌های بوم‌شناختی محیط زیست، ریشه در «بوم‌شناسی انسانی» دارد که رابرت پارک و همکارانش در دانشگاه شیکاگو مطرح کرد. پارک، ضمن به‌کارگیری واژه بوم‌شناسی زیستی<sup>۸</sup> در مورد اجتماع‌ها و جمعیت‌های انسانی، معتقد بود، بوم‌شناسی انسانی از چندین جنبه

1. Cahill
2. Ukaga
3. sustainable development
4. Brundtland
5. Berkowitz
6. post-cosmopolitan
7. Nally
8. biological ecology

تفاوت‌های اساسی‌ای با بوم‌شناسی گیاهی و جانوری دارد. نخست اینکه، انسان‌ها به‌طور مستقیم به محیط زیست وابسته نیستند، و به کمک فرایند تقسیم کار از این وابستگی رها شده‌اند؛ دوم اینکه، فناوری این موقعیت را برای انسان فراهم کرده است که زیستگاه خویش و جهان را بازسازی کند و از محدودیت‌ها بگریزد؛ سوم اینکه، ساختار جوامع انسانی را نه تنها عوامل زیست‌شناختی، بلکه عوامل فرهنگی، به‌ویژه ساختار نهادی وابسته به رسوم و سنت‌ها، تعیین می‌کنند؛ بنابراین، جامعه بشری در مقایسه با دیگر عناصر طبیعت، در دو سطح «حیاتی» و «فرهنگی» سازمان‌دهی شده است (هانیکان، ۱۳۹۲، ۲۶). پارک در پی بررسی این موضوع بود که چگونه تغییرات روی داده در ساختار فیزیکی و فضایی شهر، بر رفتارهای اجتماعی انسان، تأثیر می‌گذارند. به‌نظر او بخش عمده تغییرات فرهنگی جامعه با تغییرات فضایی شهر رابطه دارد (شارع‌پور، ۱۳۸۷، ۱۳۷). در تبیین بوم‌شناسی انسانی، تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی (مانند ارتباطات و تقسیم کار) نسبت به عوامل زیستی، فیزیکی، و عوامل تعیین‌کننده محیط زیست اولویت بیشتری دارند (سوندرز، ۱۳۹۱، ۹۵).

«پارادایم بوم‌شناختی جدید»<sup>۱</sup>، توسط دانلپ و کاتن<sup>۲</sup> به‌عنوان جایگزینی برای پارادایم استثناگرایی انسانی<sup>۳</sup> مطرح شد. فرض پارادایم استثناگرایی این است که انسان‌ها اساساً با دیگر آفریده‌ها متفاوت هستند، یعنی می‌توانند سرنوشت خود را رقم بزنند و هیچ محدودیتی بر جامعه انسانی حاکم نیست. درحالی‌که، پارادایم بوم‌شناختی جدید (یا زیست‌محیطی) نوع بشر را تنها به‌عنوان جزئی از یک اکوسیستم بزرگ‌تر معرفی می‌کند و معتقد است، امور انسانی از طبیعت و همچنین جامعه تأثیر می‌پذیرند (اروین، ۱۳۹۳، ۴۱). کاتن و دانلپ بر این اصرار داشتند که نگرانی درباره بحران در حال‌رشد زیست‌محیطی، نه تنها پیامدهایی دارد، بلکه برای جامعه انسانی نیز نتایج مهمی به‌بار خواهد آورد (صالحی، ۱۳۸۹، ۲۰۰). این دو پژوهشگر با طرح پارادایم جدید بوم‌محور، رهیافت نوینی را مبنای تأثیر محیط زیست بر رفتار اجتماعی و تأثیر فرایندهای اجتماعی بر محیط زیست قرار داده‌اند. آن‌ها این‌گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که انسان‌ها همچون دیگر گونه‌ها با طبیعت، کنش متقابل داشته و به زیست‌بوم‌های جهانی وابسته هستند.

نگرش «بوم‌شناسی ژرف» به‌دنبال ایجاد تغییرات ساختاری و ریشه‌ای در جایگاه انسان به‌عنوان بخشی از محیط زیست در کل مجموعه طبیعت است. این نوع نگرش به‌دنبال بررسی اثرات فعالیت‌های انسان در محیط زیست، بر انسان نیست، بلکه این اثرات را در مجموعه کل محیط

1. new ecological paradigm (NEP)
2. Catton
3. human exceptionalist paradigm





زیست بررسی می‌کند. این نوع اکولوژی به دنبال هماهنگ کردن شیوه زندگی بشری با طبیعت است (رودنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). بوم‌شناسی ژرف بر مسئولیت‌پذیری فردی برای حفاظت از محیط زیست تأکید دارد. بوم‌گرایان ژرف به دنبال تغییر فرهنگ جوامع هستند و فعالیت‌هایشان را تنها به نظام سیاسی رسمی محدود نمی‌کنند. بسیاری از بوم‌شناسان ژرف از مردم می‌خواهند، سبک‌های زندگی مادی‌گرایانه خود را که مبتنی بر مصرف بیش از حد انرژی و منابع طبیعی است، تغییر دهند. گروهی از این نظریه‌پردازان معتقدند، جهان غرب به بیماری ثروتمندی<sup>۲</sup>، یعنی بیماری مصرف افراطی<sup>۳</sup> مبتلا است و در مقابل، زندگی ساده و «سادگی اختیاری»<sup>۴</sup> را توصیه می‌کنند تا تأثیر انسان بر محیط زیست کاهش یابد و در نتیجه موجب حفظ طبیعت شود (ساتن، ۱۳۹۲، ۹۱).

اولریش بک در «نظریه جامعه مخاطره‌آمیز»<sup>۵</sup>، موضوع مخاطره را به بحران‌هایی که با توسعه جامعه صنعتی در ارتباط هستند، پیوند می‌زند و استدلال می‌کند که توسعه عقلانیت علمی و پیشرفت اقتصادی در عصر مدرنیته مخاطرات زیست‌بومی فراوانی به دنبال داشته است (گیدنز، ۱۳۸۹، ۸۹۷). بک معتقد است، این جامعه جدید، جامعه ریسک است. در این جامعه مشکل، دیگر رهایی از کمبودها و کاستی‌های طبیعی و گریز از بلایا و فجایع طبیعی و گستره محدودیت‌های سنت نیست، مسئله در امان ماندن از آسیب‌ها، معضلات، و ریسک‌های ناشی از خود مدرنیته است. به این معنا، مدرنیته، رفلکسیو<sup>۶</sup> یا تأملی شده است. به‌زعم بک، مشکل و تناقض اساسی در جامعه معاصر، خطرهای بزرگ و بلایای وخیمی است که محصول جامعه هستند، اما جامعه به تنهایی قادر به رفع آن‌ها نیست. همچنین، بک در کتاب «جامعه جهانی ریسک» بیان می‌کند که جامعه ریسک، جامعه‌ای در اصل، جهانی است، زیرا بسیاری از ریسک‌ها حالت جهانی دارند و بدون همکاری و مشارکت جهانی راه‌حلی برای آن‌ها وجود ندارد؛ بنابراین، باید به وضعیت موجود، پاسخی اجتماعی-اکولوژیک داد که منظور از آن، رویکردی است که پیچیدگی بی‌پایان و پیوند پیچیده سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی را در نظر می‌گیرد. همچنین با توجه به شکاف‌های به‌وجودآمده در گفتمان‌های زیست‌محیطی، مشارکت فردی - جمعی در شبکه‌های جهانی، اقدامی مهم و اثرگذار است (قاسمی، ۱۳۸۸، ۳۹).

1. Rothenberg
2. affluenza
3. over-consumption
4. voluntary simplicity
5. Ulrich Beck, "risk society thesis"
6. reflexive





در «رویکرد اسلامی»، چالش‌های امروز اکولوژیک، نیازمند راهکارهایی مبتنی بر عشق به طبیعت و شناخت آن است. از دیدگاه جهان‌بینی اسلامی، مهم‌ترین کاربرد طبیعت، نقش آن در افزایش شناخت و تعالی انسان است، زیرا طبیعت به‌طور کامل، تجلی‌بخش صفت‌های خداوندی است. درحالی‌که، اتکا به فرایندهای خطی و تکنولوژی دنیای مدرن منجر به فدا کردن هماهنگی طبیعت و درنهایت، نابودی امور معنوی می‌شود. این درحالی است که قدردانی از رحمت‌های تجلی‌یافته در طبیعت و جهان هستی، خود برای انسان، وفاداری و وظیفه‌شناسی ایجاد می‌کند تا به انسجام و انتظام قوانین طبیعت احترام بگذارد و فناوری‌های نوین را به‌صورت سازگار با طبیعت و با در نظر گرفتن قواعد زیست‌محیطی به‌کار بندد. آنچه امروزه به‌شدت به آن نیاز داریم، جایگزینی اسلامی است. بهترین‌ها می‌تواند از طریق تبیین دوباره آموزه‌های شریعت درباره حفظ طبیعت و همچنین از طریق تجدید حیات آموزش به‌وسیله علوم و آموخته‌های تجربی، تحقق یابد. کودکان نباید تنها آموزه‌های اسلامی درباره مفاهیم طبیعت و اکولوژی را بیاموزند، بلکه در کنار آن، باید تشویق شوند که ارتباط دوجانبه هر روز خود با طبیعت را محترم بشمارند. آموزش صرفاً نباید جنبه اطلاع‌رسانی داشته باشد، بلکه باید تعهدها و انگیزه‌های قوی در شهروندان ایجاد کند (فولتز و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۲۴).

درنهایت از طریق رهیافت اسلامی، توسعه می‌تواند با تکیه بر ارزش‌های فرهنگی، به‌صورت زیست‌بوم‌محور، گسترش یابد. در واقع، بازسازی مفاهیم معنوی اسلام در رابطه با محیط زیست از نیازهای اساسی جامعه ما است. در این مورد، اصل توحید می‌تواند به‌عنوان بنیادی‌ترین مفهوم برای گسترش نگرش اکولوژیک از بعد معنوی، در نظر گرفته شود که در واقع تمامی آفریده‌ها و کثرت ظاهری آن‌ها را با مفهوم وحدت از بعد هستی‌شناختی برابر می‌داند.

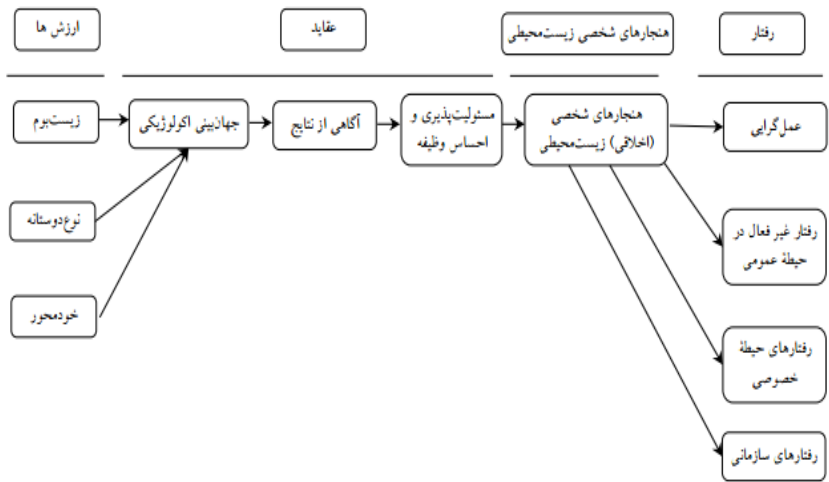
استرن و همکارانش چارچوب نظری «ارزش - باور - هنجار<sup>۱</sup>» را برای مطالعه رفتار زیست‌محیطی ارائه داده‌اند که در واقع پیوند بین نظریه ارزش، نظریه هنجار اخلاقی عمل‌گرا، و پارادایم جدید زیست‌محیطی است (استرن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ استرن و همکاران، ۱۹۹۹). نظریه ارزش - باور - هنجار چهار نوع رفتار را در ارتباط با محیط زیست از هم متمایز می‌کند؛ ۱. فعال‌گرایی زیست‌محیطی<sup>۳</sup> (مانند مشارکت فعال در سازمان‌ها یا گردهمایی‌های زیست‌محیطی)، ۲. رفتارهای غیرفعال در حوزه عمومی (مانند شهروند زیست‌محیطی یا پذیرش سیاست‌های عمومی)، ۳. محیط‌زیست‌گرایی در

1. value-belief-norm = VBN

2. Stern

3. environmental activism

حوزه خاص (مانند خرید، استفاده و دفع تولیدهای شخصی که آثار زیست محیطی دارند)، ۴. فعالیت‌های سازمانی (مانند طرح و برنامه‌ریزی تولیدهای بی‌خطر از نظر زیست محیطی). استرن بیان می‌کند که رفتار زیست محیطی از هنجارهای شخصی مانند احساس تعهد یا وظیفه اخلاقی<sup>۱</sup> برای عمل کردن به صورت زیست محیطی ناشی می‌شود. این هنجارهای شخصی با این اعتقاد فعال می‌شود که شرایط زیست محیطی، ارزش‌های فردی را تهدید می‌کند (آگاهی از نتایج یا عقاید) و افراد می‌توانند این تهدیدها را کاهش دهند (مسئولیت‌پذیری). نظریه ارزش - باور - هنجار بیان می‌کند، دیدگاه‌های افراد در مورد نتایج و مسئولیت‌پذیری، به عقاید کلی یا عمومی درباره ارتباطات انسان-محیط زیست<sup>۲</sup> و تا حدودی، جهت‌گیری‌های ارزشی تقریباً ثابت، وابسته‌اند (منتی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، ۶۱۴). یافته‌های اولیه، از فرضیه‌های هنجارهای اخلاقی شخصی که مبنایی برای افراد مستعد انجام رفتارهای مسئولانه زیست محیطی است، پشتیبانی می‌کنند. علاوه بر این، نظریه ارزش-باور-هنجار مشخص می‌کند که باورهای مربوط به شرایط عمومی بیوفیزیکی محیط زیست، برای ایجاد ارتباط بین ارزش‌ها و رفتار زیست محیطی، مناسب هستند (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱، ۹۴).



شکل شماره (۱). نظریه ارزش-باور-هنجار (VBN)

منبع: استرن، ۲۰۰۰؛ استرن و همکاران، ۱۹۹۹

1. feeling of moral obligation  
 2. NEP

## ۲. پیشینه پژوهش

صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی سرمایه فرهنگی و نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی پرداخته‌اند. روش تحقیق آنان از نوع پیمایشی بوده و نمونه آماری شامل ۴۴۰ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق شهری استان کردستان است که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش این دو نویسنده نشان می‌دهد که ۸۲ درصد از افراد مورد مطالعه، دارای رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه و ۷۱ درصد، دارای سرمایه فرهنگی در حد زیاد هستند. هرچند وضعیت «آگاهی» و «نگرش» زیست‌محیطی، متوسط بوده است. براساس نتایج این پژوهش، سرمایه فرهنگی، بیشترین تأثیر را بر رفتارهای زیست‌محیطی داشته است.

حسین‌نژاد (۱۳۹۲) در پژوهشی، عوامل اجتماعی مرتبط با سبک زندگی محیط زیستی شهروندان شهر تبریز را بررسی کرده است. در این تحقیق، از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده و نمونه آماری، ۶۸۲ نفر از شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز بوده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی با سبک زندگی زیست‌محیطی نیز رابطه معنی‌دار و مستقیم و با نگرش ابزاری، رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داده است که متغیرهای مستقل پژوهش، حدود ۳۷ درصد از سبک زندگی محیط زیستی شهروندان تبریز را تبیین می‌کنند که در میان آن‌ها، سرمایه فرهنگی بیشترین سهم را داشته است.

صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳) در پژوهشی به تحلیل اجتماعی نقش شهروندی محیط زیستی در مقابله با پیامدهای تغییر آب‌وهوا پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش، ۳۲۰۷۴۱ نفر از ساکنان شهرستان قائم‌شهر هستند که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۳۵۰ نفر از آنان به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که، تعهد شهروندان به محیط زیست و مقابله با یکی از بحران‌های محیط زیستی، یعنی تغییر آب‌وهوا، متوسط روبه‌بالا است. میزان تعهد شهروندان به مقابله با پیامدهای منفی و زیانبار تغییر آب‌وهوا برحسب سن و تحصیلات، متفاوت بوده است، به‌عبارت دیگر، با افزایش سن، وضعیت شهروندی محیط زیستی بهبود یافته، اما با افزایش تحصیلات، تعهد به شهروندی محیط زیستی افول کرده است.

صالحی و کریم‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی، تأثیر ارزش‌های زیست‌محیطی بر رفتار زیست‌محیطی را در مناطق شهری ارومیه بررسی کرده‌اند. روش تحقیق، پیمایشی بوده و از پرسش‌نامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. ارزش زیست‌محیطی با استفاده از مقیاس





کایزر و همکاران و رفتار زیست محیطی با پرسش نامه محقق ساخته سنجیده شده است و تعداد ۳۸۳ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش، بیانگر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین ارزش زیست محیطی و رفتار زیست محیطی است. همچنین، سه عامل موقعیت جغرافیایی، فعالیت‌های اقتصادی، و آموزه‌های دینی در بالا بودن ارزش زیست محیطی در منطقه مورد مطالعه مؤثر بودند (صالحی و کریم‌زاده، ۱۳۹۳).

دابسون (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «شهروندی زیست محیطی: به سوی توسعه پایدار» به طرح و پاسخ به این پرسش پرداخته است که آیا لازمه توسعه پایدار، تغییر در رفتار افراد، نهادها و سازمان‌ها است؟ در این مقاله، چگونگی وقوع این تغییرات، بررسی شده است. بین تغییر در رفتارها و تغییر در نگرش‌ها، تفاوت وجود دارد و تغییر در نگرش‌ها منجر به تغییرات مطمئن‌تر و پایدارتری می‌شود. مشوق‌های مالی، به عنوان ابزاری برای تغییر رفتار و در مقابل، شهروندی زیست محیطی به عنوان مسیری برای تغییر نگرش مطرح می‌شود که ریشه در ملاحظاتی مانند عدالت و بی‌عدالتی دارد. در نهایت، آموزش شهروندی در سطح دبیرستان، راهی برای ارتقای شهروندی زیست محیطی یا بوم‌شناختی تلقی می‌شود.

چن<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی تأثیرات عوامل نگرشی و جمعیت‌شناختی بر رفتارهای زیست محیطی در چین پرداخته‌اند. هدف این پژوهش، مدل‌سازی عوامل نگرشی و جمعیت‌شناختی بر رفتارهای زیست محیطی در کشور چین است. در این پژوهش، رفتار زیست محیطی به عنوان تابعی از نگرش زیست محیطی (اندازه‌گیری شده با استفاده از پارادایم نوین اکولوژیکی) و برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مدل‌سازی شده است. پاسخ‌دهندگان شاغل، دارای موقعیت‌های رهبری، ساکن شهرهای بزرگ‌تر، و مجرد، مشارکت بیشتری در رفتارهای زیست محیطی داشته‌اند. این نتایج با مطالعات گذشته مطابقت دارد که نشان داده بود، افراد جوان‌تر، زنان، و افراد دارای تحصیلات بالاتر، تمایل بیشتری به رفتارهای زیست محیطی داشته‌اند. شهرنشینی سریع و توسعه اقتصادی به طور معنی‌داری بر رفتارهای زیست محیطی در آینده تأثیرگذار بوده‌اند.

کلی و آبل (۲۰۱۲) در پژوهشی، ترویج شهروندی بوم‌شناختی و یادگیری زیست محیطی در کاستاریکا را بررسی کرده‌اند. هدف مطالعه یادشده، پاسخ به این پرسش بوده است که «چگونه تحصیلات تجربی، باعث ترویج شهروندی زیست محیطی یا بوم‌شناختی می‌شود؟» به عبارت دیگر، «آیا آموزش ضمن خدمت، تأثیری بر شهروندی بوم‌شناختی دارد؟» این مطالعه با استفاده از رویکرد

روش‌های چندگانه کمی و کیفی انجام شده است. متغیرهای به‌کارگرفته‌شده با استفاده از نظریه ارزش‌باور -هنجار نشان داده‌اند که تجربه‌های یادگیری خدمتی زیست‌محیطی بر آگاهی از پیامدهای زیست‌محیطی و باورهای هنجاری شخصی تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، شهروندی بوم‌شناختی به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر متغیرهای پیش‌بین روانشناختی اجتماعی است.

مید<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی، میزان ارتقای شهروندی بوم‌شناختی پایدار در میان دانشجویان را بررسی کرده است. این پژوهش، شهروندی بوم‌شناختی را در سیاست‌ها و طرح‌های پایداری نهادها، بررسی کرده و همچنین، کنش‌های نهادهای مسئول تحصیلات دانشگاهی را در حوزه ترویج شهروندی بوم‌شناختی پایدار در میان دانشجویان، مطالعه کرده است. نمونه تحقیق شامل ۲۴ دانشکده و دانشگاه در ایالات متحده امریکاست. چندین شاخص برای مطالعه و سنجش شهروندی بوم‌شناختی انتخاب شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که، بحث‌های شهروندی بوم‌شناختی درباره تعهد پایداری، بیشتر از کنش‌های مربوط به شهروندی و پایداری مطرح بوده است. همچنین، دانشکده‌هایی که به‌طور رسمی شهروندی بوم‌شناختی را ترویج می‌کردند، میزان تعهد قوی‌تری به ارزش‌های شهروندی و پایداری نشان دادند.

### ۳. بررسی و نقد پیشینه پژوهش و ارائه فرضیه‌ها

نگاهی به پیشینه تجربی پژوهش نشان می‌دهد که به پژوهش‌های اندک انجام‌شده در داخل کشور از نظر تأکید بر شهروندی بوم‌شناختی، به‌گونه‌ای مناسب و کافی توجه نشده است. با توجه به شکل‌گیری مفهوم شهروندی در مطالعات خارج از کشور، این مفهوم به‌تازگی در ادبیات جامعه‌شناسی محیط زیست در ایران مطرح شده و از این‌رو پژوهش‌های مرتبط و مهمی در این حوزه انجام نشده است. از طرفی، می‌توان گفت، مقوله بوم‌شناسی در شاخه‌های دیگر علوم انسانی از مدت‌ها پیش، حتی در مطالعات داخلی مورد توجه بوده، لیکن نگاه جامعه‌شناختی به مقوله بوم‌شناسی، نگرش جدیدی است که در این پژوهش، بررسی شده است؛ بنابراین، این مقاله در ابتدا، بر این هدف مبتنی است که شکل‌گیری و تدوین مفهوم شهروندی بوم‌شناختی را با توجه به مطالعات انجام‌شده در خارج از کشور، در جامعه ایران و به‌ویژه شهر تبریز کاوش کرده و سپس با ارائه شاخص‌های سنجش آن، ارتباط آن را با سرمایه فرهنگی بررسی کند. با توجه به پیشینه نظری و تجربی پژوهش، فرضیه‌های عبارت است از: بین سرمایه فرهنگی و شهروندی بوم‌شناختی، رابطه





معنی داری وجود دارد؛ بین بعد عینی سرمایه فرهنگی و شهروندی بوم‌شناختی، رابطه معنی داری وجود دارد؛ بین بعد ذهنی سرمایه فرهنگی و شهروندی بوم‌شناختی، رابطه معنی داری وجود دارد؛ بین بعد نهادی سرمایه فرهنگی و شهروندی بوم‌شناختی، رابطه معنی داری وجود دارد.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است، زیرا اطلاعات، به صورت بررسی نظرات پاسخ‌دهندگان گردآوری شده است. علاوه بر این، این مقاله از نظر اجرایی، از نوع پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ بررسی زمانی، در زمره تحقیقات مقطعی است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق ده‌گانه شهر تبریز هستند. براساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، جمعیت بالای ۱۵ سال شهر تبریز، ۱۱۹۴۴۵۳ بوده که از این تعداد، ۶۰۱۳۴۱ نفر مرد و ۵۹۲۷۰۸ نفر زن هستند (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). حجم نمونه آماری پژوهش مورد مطالعه از بین همه شهروندان شهر تبریز با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، به شرح زیر به دست آمده است:

$$n = \frac{t^2 p \cdot q}{d^2} = \frac{(2/58)^2 \times .5 \times .5}{(.05)^2} = \frac{6.66 \times /25}{/0025} = 666 \cong 670 =$$

از آنجا که هیچ فهرستی از جامعه آماری در دست نیست، لذا انتخاب نمونه احتمالی با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده یا سیستماتیک از افراد میسر نیست؛ بنابراین، مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری برای این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای استفاده از این شیوه، با در نظر گرفتن این نکته که شهر تبریز، از لحاظ کاربری، شامل ۱۰ منطقه است، پس از تعیین حجم نمونه و تقسیم شهر به مناطق ده‌گانه، به نسبت جمعیت هر منطقه، نمونه‌ها تخصیص یافته، سپس از هر منطقه بلوک‌هایی، و از هر بلوک، خانه‌هایی، به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند.

#### ۵. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

##### ۵-۱. شهروندی بوم‌شناختی

مبنای شهروندی بوم‌شناختی، شهروندی اجتماعی است که در آن شهروندان به دنبال گسترش اصول جهانی مرتبط با مسائل زیست‌محیطی و گنجاندن آن در قانون، فرهنگ و ارزش‌ها هستند، همچنین، ویژگی اصلی شهروندی بوم‌شناختی، ناپدید شدن مرز بین حوزه عمومی و خصوصی

است (اسمیت، ۱۹۹۸)؛ بنابراین، شهروند بوم‌شناختی کسی است که خود را به حفظ محیط زیست و حل مسائل محیط زیستی متعهد می‌داند. مؤلفه‌های مختلف شهروندی بوم‌شناختی در مقاله حاضر عبارتند از: سواد بوم‌شناختی، کنش بوم‌شناختی، مشارکت مدنی، اجتماعی، و فرهنگی بوم‌شناختی، و هویت بوم‌شناختی (مید، ۲۰۱۳) که هرکدام از این مؤلفه‌ها، دارای زیرمؤلفه‌های مربوط به خود است.

## ۲-۵. سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در فرایند اجتماعی شدن در وی انباشته می‌شوند. بوردیو<sup>۱</sup> تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌داند، لیکن، گرایش به اشیای فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی در نزد فرد را سرمایه فرهنگی می‌خواند. همچنین وی سرمایه نمادین را جزئی از سرمایه فرهنگی می‌داند (فاضلی، ۱۳۸۲، ۳۷). برای سنجش سرمایه فرهنگی از معرف‌های زیر استفاده شده است:

- میزان وقت گذاشتن برای کار با اینترنت، مطالعه روزنامه، نشریه‌ها و مجله‌ها، خواندن کتاب‌های داستانی و ادبیات، گوش دادن به موسیقی، تماشای فیلم و تئاتر و نمایش، رفتن به مجالس سخنرانی، کنفرانس‌ها و سمینارها، رفتن به موزه، نمایشگاه‌ها و فرهنگ‌سرا، یادگیری زبان‌های خارجی، جمع‌آوری تابلوهای نقاشی یا اشیاء عتیقه، عکاسی، خطاطی و نقاشی؛

- میزان علاقه‌مندی به کار با اینترنت، مطالعه روزنامه، نشریه‌ها و مجله‌ها، خواندن کتاب‌های داستانی و ادبیات، گوش دادن به موسیقی، تماشای فیلم و تئاتر و نمایش، رفتن به مجالس سخنرانی، کنفرانس‌ها و سمینارها، رفتن به موزه، نمایشگاه‌ها و فرهنگ‌سرا، یادگیری زبان‌های خارجی، جمع‌آوری تابلوهای نقاشی یا اشیاء عتیقه، عکاسی، خطاطی و نقاشی؛

- عضویت در کتابخانه، تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه شخصی منزل، میزان تحصیلات، تحصیلات مادر، تحصیلات پدر.

## ۶. اعتبار و پایایی پژوهش

در این مقاله برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه از اعتبار صوری و سازه‌ای استفاده شده است، یعنی اینکه پرسش‌نامه ابتدایی پس از طراحی اولیه در اختیار استادان متخصص در حوزه محیط زیست گذاشته شده و پس از گردآوری و اصلاح دیدگاه‌های آن‌ها، پرسش‌نامه نهایی استخراج شده است. همچنین، به منظور برآورد اعتبار سازه‌ای گویه‌های متغیر شهروندی بوم‌شناختی از تحلیل عاملی

1. Bourdieu





اکتشافی استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد که تفکیک و دسته‌بندی گویه‌های مربوط به شهروندی بوم‌شناختی، به خوبی انجام شده است؛ به گونه‌ای که مقدار KMO به دست آمده برابر با ۰/۸۸۹ بوده که نشان‌دهنده کفایت تعداد نمونه‌ها برای انجام تحلیل عاملی است و همچنین معنی دار بودن آزمون کرویت بارتلت بیانگر آن است که تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده است. براساس نتایج ارائه شده در جدول شماره (۱)، ۴۹ گویه مربوط به شهروندی بوم‌شناختی در ۱۱ مؤلفه، عامل‌بندی شده‌اند که عامل‌های اول و دوم به ترتیب، با مقادیر ویژه ۱۰/۶۸ و ۴/۲۷ دارای بیشترین مقدار هستند. همچنین، عامل اول با ۱۲/۷۵ درصد بیشترین میزان تبیین واریانس را در میان عامل‌ها به خود اختصاص داده است. در کل، ۱۱ مؤلفه توانسته‌اند حدود ۶۰ درصد واریانس مربوط به این متغیر را تبیین کنند. در جدول شماره (۱)، مقادیر ویژه و واریانس تبیینی هر کدام از عامل‌ها ارائه شده است.

جدول شماره (۱). نتایج تحلیل عاملی مربوط به گویه‌های شهروندی بوم‌شناختی

متغیر	ابعاد	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	کل واریانس تبیین شده
شهروندی بوم‌شناختی	(۱) احساس تعلق بوم‌شناختی	۱۰/۶۸	۱۲/۷۵	۶۰/۳۱
	(۲) نگرش بوم‌شناختی	۴/۲۷	۶/۱۸	
	(۳) آگاهی بوم‌شناختی	۲/۹۰	۵/۷۶	
	(۴) عضویت در انجمن‌های زیست‌محیطی	۲/۰۲	۵/۵۸	
	(۵) باورهای زیست‌محیطی	۱/۸۴	۴/۸۴	
	(۶) رفتارهای زیست‌محیطی شخصی	۱/۶۱	۴/۴۴	
	(۷) بازیافت و حفاظت منابع	۱/۴۱	۴/۴۲	
	(۸) دانش بوم‌شناختی	۱/۳۲	۴/۳۷	
	(۹) معرفت بوم‌شناختی	۱/۱۸	۴/۲۱	
	(۱۰) ارزش‌های زیست‌محیطی	۱/۱۶	۴/۰۰	
	(۱۱) پیوستگی با محیط زیست	۱/۱۲	۳/۷۵	
KMO = 0/889		BTS = 10104/021		Sig = 0/000

برای محاسبه پایایی مقیاس، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج مربوط به آلفای کرونباخ شهروندی بوم‌شناختی و ابعاد یازده‌گانه آن نشان می‌دهد که هم خود شهروندی بوم‌شناختی و هم ابعاد آن، از پایایی قابل‌قبولی برخوردار هستند. نتایج آلفای کرونباخ شهروندی بوم‌شناختی و ابعاد آن در جدول شماره (۲) ارائه شده است.



جدول شماره (۲). نتیجه پایایی مربوط به شهروندی بوم‌شناختی و ابعاد آن و سرمایه فرهنگی

ابعاد شهروندی بوم‌شناختی	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ کل
(۱) احساس تعلق بوم‌شناختی	۱۰	۰/۹۰	
(۲) نگرش بوم‌شناختی	۶	۰/۷۶	
(۳) آگاهی بوم‌شناختی	۵	۰/۷۸	
(۴) عضویت در انجمن‌های زیست‌محیطی	۳	۰/۸۸	
(۵) باورهای زیست‌محیطی	۴	۰/۶۸	
(۶) رفتارهای زیست‌محیطی شخصی	۳	۰/۶۸	۰/۸۹۹
(۷) بازیافت و حفاظت منابع	۳	۰/۷۷	
(۸) دانش بوم‌شناختی	۴	۰/۶۳	
(۹) معرفت بوم‌شناختی	۳	۰/۵۹	
(۱۰) ارزش‌های زیست‌محیطی	۵	۰/۶۶	
(۱۱) پیوستگی با محیط زیست	۳	۰/۵۶	
سرمایه فرهنگی	۲۵	---	۰/۸۹۲



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲۳

نقش سرمایه فرهنگی در  
تحقق شهروندی ...

## ۷. یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های پژوهش، متغیر شهروندی بوم‌شناختی (متغیر وابسته) که با ۴۹ گویه سنجیده شده است، در بردارنده ۱۱ بعد است. پایین‌ترین نمره ممکن برای شهروندی بوم‌شناختی، ۴۹ و بالاترین نمره ممکن، ۲۹۴ است. براساس یافته‌های توصیفی پژوهش، میانگین شهروندی بوم‌شناختی در دامنه ۱۶۰ تا ۲۸۳، برابر با ۲۳۱/۵۸ است که نشان می‌دهد شهروندی بوم‌شناختی از وضعیت نسبتاً خوبی در میان شهروندان برخوردار است. میانگین شهروندی بوم‌شناختی در پیوستار زیر و آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر شهروندی بوم‌شناختی در جدول شماره (۳) آورده شده است.

خیلی زیاد	زیاد	↑	تا حدودی زیاد	تا حدودی کم	خیلی کم	کم
۲۹۴	۲۴۵		۱۹۶	۱۴۷	۹۸	۴۹

$$\bar{X} = 231.58$$

همچنین، نتایج به‌دست‌آمده برای ابعاد دیگر شهروندی بوم‌شناختی نشان می‌دهد که مؤلفه عضویت در انجمن‌های زیست‌محیطی، دارای پایین‌ترین میانگین در میان شهروندان بوده و مؤلفه‌های احساس تعلق بوم‌شناختی، باورهای زیست‌محیطی، رفتارهای زیست‌محیطی شخصی، دانش بوم‌شناختی، معرفت بوم‌شناختی، و ارزش‌های زیست‌محیطی، از بالاترین میانگین در میان شهروندان شهر تبریز برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره (۳). آماره‌های توصیفی مربوط به شهروندی بوم‌شناختی و ابعاد آن

ابعاد شهروندی بوم‌شناختی	تعداد پرسش‌ها	دامنه تغییرات	میانگین	میانگین درصدی	وضعیت پاسخ‌گویان
شهروندی بوم‌شناختی	۴۹	۱۶۰-۲۸۳	۲۳۱/۵۸	۷۸/۵۷	تا حدودی زیاد
(۱) احساس تعلق بوم‌شناختی	۱۰	۱۴-۶۰	۴۹/۱۳	۸۱/۸۸	زیاد
(۲) نگرش بوم‌شناختی	۶	۶-۳۶	۲۵/۴۶	۷۰/۷۲	تا حدودی زیاد
(۳) آگاهی بوم‌شناختی	۵	۸-۳۰	۲۲/۴۷	۷۴/۹	تا حدودی زیاد
(۴) عضویت در انجمن‌های زیست‌محیطی	۳	۳-۱۸	۱۰/۲۰	۵۶/۶۶	تا حدودی کم
(۵) باورهای زیست‌محیطی	۴	۷-۲۴	۲۱/۲۲	۸۸/۴۱	زیاد
(۶) رفتارهای زیست‌محیطی شخصی	۳	۴-۱۸	۱۵/۴۲	۸۵/۶۶	زیاد
(۷) بازیافت و حفاظت منابع	۳	۳-۱۸	۱۳/۱۴	۷۳	تا حدودی زیاد
(۸) دانش بوم‌شناختی	۴	۸-۲۴	۲۰/۳۴	۸۴/۷۵	زیاد
(۹) معرفت بوم‌شناختی	۳	۵-۱۸	۱۵/۷۲	۸۷/۳۳	زیاد
(۱۰) ارزش‌های زیست‌محیطی	۵	۹-۳۰	۲۵/۷۰	۸۵/۶۶	زیاد
(۱۱) پیوستگی با محیط زیست	۳	۴-۱۸	۱۲/۶۷	۷۰/۳۸	تا حدودی زیاد



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲۴

دوره نهم  
شماره ۲  
بهار ۱۳۹۶

متغیر سرمایه فرهنگی با ۲۵ گویه اندازه‌گیری شده است. نمره ۲۵، نشانگر پایین‌ترین میزان سرمایه فرهنگی، و نمره ۱۷۵، نشانگر بالاترین میزان سرمایه فرهنگی در میان شهروندان است. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین متغیر سرمایه فرهنگی در میان شهروندان تبریزی در دامنه ۲۷ تا ۱۵۱ برابر با ۹۲/۷۰ است که بیانگر این است که میانگین سرمایه فرهنگی در میان شهروندان شهر تبریز از حد متوسط، پایین‌تر می‌باشد. میانگین سرمایه فرهنگی در پیوستار زیر و آماره‌های توصیفی مربوط به آن در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

اصلاً	خیلی کم	کم	تا حدی کم	تا حدی زیاد	زیاد	خیلی زیاد
۲۵	۵۰	۷۵	۱۰۰	۱۲۵	۱۵۰	۱۷۵

در مورد ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی، همان‌گونه که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، بعد عینی سرمایه فرهنگی، دارای میانگین پایین‌تر از حد متوسط است، در حالی که، بعد ذهنی آن، نسبت به بقیه ابعاد، میانگین بالایی داشته و بالاتر از حد متوسط است. بعد نهادی از میانگین خیلی پایینی برخوردار بوده و پایین‌ترین میانگین را نسبت به ابعاد دیگر سرمایه فرهنگی دارد.

جدول شماره (۴). آماره‌های توصیفی مربوط به سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

ابعاد سرمایه فرهنگی	تعداد پرسش‌ها	دامنه تغییرات	میانگین	میانگین درصدی	وضعیت پاسخ‌گویان
سرمایه فرهنگی	۲۵	۲۷-۱۵۱	۹۲/۷۰	۵۲/۹۷	کم‌تا حدی کم
بعد عینی	۱۰	۱۰-۷۰	۳۴/۷۶	۴۹/۶۵	کم‌تا حدی کم
بعد ذهنی	۱۰	۱۰-۷۰	۴۴/۰۸	۶۲/۹۷	تا حدی کم‌تا حدی زیاد
بعد نهادی	۵	۵-۲۹	۱۴/۵۵	۴۱/۵۷	خیلی کم‌کم

برای آزمون رابطه بین سرمایه فرهنگی و شهروندی بوم‌شناختی با توجه به فاصله‌ای بودن سطح سنجش هر دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده (۰/۰۰۲)، ارتباط معنی‌داری بین سرمایه فرهنگی و شهروندی بوم‌شناختی وجود دارد. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده برای این دو متغیر، ۰/۱۵۸ است که نشان‌دهنده همبستگی مثبت و ضعیف است، یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی، رفتارهای شهروندی بوم‌شناختی افزایش یافته و با کاهش سرمایه فرهنگی، رفتارهای مرتبط با شهروندی بوم‌شناختی کاهش می‌یابد. همچنین، نتیجه آزمون همبستگی پیرسون شهروندی بوم‌شناختی با ابعاد سرمایه فرهنگی نشان می‌دهد که رابطه شهروندی بوم‌شناختی با بعد عینی سرمایه فرهنگی، معنی‌داری نبوده، لیکن، با بعد ذهنی و نهادی آن، رابطه معنی‌داری دارد. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده برای ارتباط شهروندی بوم‌شناختی با بعد ذهنی و نهادی، به ترتیب برابر با ۰/۱۹۵ و ۰/۱۵۷ به‌دست آمده است که نشان می‌دهد، همبستگی مستقیمی بین ابعاد ذهنی و نهادی و شهروندی بوم‌شناختی وجود دارد، یعنی با افزایش بعد ذهنی و نهادی سرمایه فرهنگی، شهروندی بوم‌شناختی نیز افزایش می‌یابد و برعکس. جدول شماره (۵)، نتایج آزمون همبستگی پیرسون شهروندی بوم‌شناختی و سرمایه فرهنگی و ابعاد آن را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵). نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین شهروندی بوم‌شناختی و ابعاد سرمایه فرهنگی

متغیر	سرمایه فرهنگی	بعد عینی	بعد ذهنی	بعد نهادی
ضریب همبستگی	۰/۱۵۸	۰/۰۳۳	۰/۱۹۵	۰/۱۵۷
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۲	۰/۴۹۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲
تعداد مشاهدات	۴۱۳	۴۵۵	۴۵۱	۴۵۴





نتایج بررسی آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد شهروندی بوم‌شناختی با سرمایه فرهنگی نشان می‌دهد که از میان ابعاد یازده‌گانه شهروندی بوم‌شناختی، ابعاد احساس تعلق بوم‌شناختی، عضویت در انجمن‌های زیست‌محیطی، و پیوستگی با محیط زیست، ارتباط معنی‌داری با شهروندی بوم‌شناختی دارند. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده برای ارتباط این سه بعد با شهروندی بوم‌شناختی، به ترتیب برابر با ۰/۱۸۰، ۰/۱۶۶ و ۰/۱۷۶ است که نشان می‌دهد، ارتباط این سه بعد با شهروندی بوم‌شناختی، ارتباط مستقیمی است، یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی، میزان سه مؤلفه یادشده نیز افزایش می‌یابد و با کاهش میزان سرمایه فرهنگی، میزان آن‌ها روبه‌کاهش می‌گذارد. ابعاد دیگر شهروندی بوم‌شناختی، ارتباط معنی‌داری با شهروندی بوم‌شناختی ندارند. جدول شماره (۶) نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد شهروندی بوم‌شناختی و سرمایه فرهنگی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶). نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین شهروندی بوم‌شناختی و سرمایه فرهنگی

تعداد مشاهدات	سرمایه فرهنگی		ابعاد شهروندی بوم‌شناختی
	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	
۵۲۲	۰/۱۸۰	۰/۰۰۰	(۱) احساس تعلق بوم‌شناختی
۵۱۵	-۰/۰۲۰	۰/۶۵۶	(۲) نگرش بوم‌شناختی
۵۳۷	-۰/۰۶۶	۰/۱۲۵	(۳) آگاهی بوم‌شناختی
۵۲۶	۰/۱۶۶	۰/۰۰۰	(۴) عضویت در انجمن‌های زیست‌محیطی
۵۴۱	۰/۰۶۴	۰/۱۳۴	(۵) باورهای زیست‌محیطی
۵۴۶	۰/۰۶۸	۰/۱۱۱	(۶) رفتارهای زیست‌محیطی شخصی
۵۴۳	۰/۰۲۲	۰/۶۱۱	(۷) بازیافت و حفاظت منابع
۵۴۳	-۰/۰۱۶	۰/۷۰۳	(۸) دانش بوم‌شناختی
۵۴۵	-۰/۰۱۲	۰/۷۷۳	(۹) معرفت بوم‌شناختی
۵۳۷	۰/۰۳۲	۰/۴۶۳	(۱۰) ارزش‌های زیست‌محیطی
۵۴۴	۰/۱۷۶	۰/۰۰۰	(۱۱) پیوستگی با محیط زیست

درنهایت، با استفاده از تحلیل رگرسیونی، سهم و تأثیر ابعاد سرمایه فرهنگی در تبیین و پیش‌بینی تغییرات شهروندی بوم‌شناختی، بررسی شده است. آماره آزمون دوربین و واتسون به‌دست‌آمده برای این مدل، ۱/۸۰ است که بیانگر استقلال خطاها یا باقی‌مانده‌ها برای این مدل رگرسیونی است. با برآورده شدن پیش‌فرض‌های رگرسیونی از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره به روش گام‌به‌گام استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از انجام تحلیل رگرسیونی نشانگر این است که از

میان ۳ بعد متغیر سرمایه فرهنگی که وارد معادله شده‌اند، هر سه بعد در مدل نهایی رگرسیونی باقی مانده‌اند و حدود ۷ درصد واریانس متغیر وابسته (شهروندی بوم‌شناختی) را تبیین کرده‌اند. همان‌گونه که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه برای این مدل رگرسیون،  $0/272$ ، ضریب تبیین  $0/074$ ، و ضریب تبیین تعدیل شده  $0/067$ ، به دست آمده است، یعنی میزان درصد تبیین تعدیل شده تغییرات شهروندی بوم‌شناختی توسط سه متغیر بالا،  $6/7$  درصد است؛ بنابراین، معادله رگرسیونی شهروندی بوم‌شناختی به شرح زیر است:

(بعد نهادی)  $0/112$  + (بعد عینی)  $0/204$  + (بعد ذهنی)  $0/310$  +  $218/220$  = شهروندی بوم‌شناختی  
 براساس معادله بالا، ملاحظه می‌شود که بعد ذهنی سرمایه فرهنگی با بتای  $0/310$ ، بیشترین سهم را در تبیین تغییرات شهروندی بوم‌شناختی دارد و پس از آن، بعد عینی سرمایه فرهنگی با بتای  $0/204$  و بعد نهادی سرمایه فرهنگی با بتای  $0/112$  در تبیین تغییرات شهروندی بوم‌شناختی مؤثر بوده‌اند.

جدول شماره (۷). نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره شهروندی بوم‌شناختی

ضریب همبستگی چندگانه	$0/272$	متغیر	b	$\beta$	t	سطح معنی داری
ضریب تبیین	$0/074$	مقدار ثابت	$218/220$	---	$53/368$	$0/000$
ضریب تبیین تصحیح شده	$0/067$	بعد ذهنی سرمایه فرهنگی	$0/469$	$0/310$	$4/872$	$0/000$
اشتباه معیار برآورد	$19/26789$	بعد عینی سرمایه فرهنگی	$0/369$	$0/204$	$3/107$	$0/002$
کمیت دوربین واتسون	$1/797$	بعد نهادی سرمایه فرهنگی	$0/492$	$0/112$	$2/098$	$0/037$

نتیجه آزمون تحلیل واریانس  $F=10/179$ ،  $Sig=0/000$

## بحث و نتیجه گیری

مقاله حاضر با هدف مطالعه جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی بوم‌شناختی در میان شهروندان تبریزی و ارتباط آن با سرمایه فرهنگی انجام شده است. براساس یافته‌های توصیفی پژوهش، رفتارهای شهروندی بوم‌شناختی در میان شهروندان تبریزی تا حد زیادی بوده است. همچنین، بعد باورهای زیست محیطی، بیشترین میزان و بعد عضویت در انجمن‌های زیست محیطی، کمترین





میزان را در میان ابعاد شهروندی بوم‌شناختی داشته‌اند، در حالی که، برخورداری شهروندان از سرمایه فرهنگی تا حدی کم بوده است. همچنین در میان ابعاد سرمایه فرهنگی، بعد ذهنی بیشترین و بعد نهادی، کمترین میزان را داشته است.

امروزه بحران‌های زیست‌محیطی به‌گونه نگران‌کننده‌ای، زندگی انسانی را به مخاطره انداخته‌اند و مخاطرات بوم‌شناختی مانند تغییرات آب‌وهوایی، ذوب شدن یخ‌های قطبی، جنگل‌زدایی، بهبود سطح زندگی و افزایش تقاضاهای شهروندان، استفاده غیراصولی از طبیعت، استفاده بی‌رویه از انرژی، و... افکار عمومی جهان را درگیر خود کرده است. با وجود این مخاطرات بوم‌شناختی گسترده و افزایش روزافزون آن‌ها، این ادعا مطرح می‌شود که دگرگونی‌های طبیعی و مخاطرات بوم‌شناختی، مستقل از اراده و تأثیر عامل انسانی هستند؛ بنابراین، پژوهشگران زیست‌محیطی بر این باورند که برای کاهش تهدیدهای زیست‌محیطی باید به کنش و رفتار انسان در برابر محیط زیست توجه شود. یکی از مهم‌ترین عواملی که در منش و رفتار انسان دخیل است، میزان برخورداری از سرمایه فرهنگی است. با افزایش سرمایه فرهنگی، نگرش‌های زیست‌محور و رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی در جامعه شکل می‌گیرد و بسیاری از مخاطرات بوم‌شناختی را می‌توان با افزایش آگاهی حاصل از سرمایه فرهنگی، برطرف کرد. این موضوع همسوبا یافته‌های این پژوهش است که بر وجود ارتباط مستقیم بین شهروندی بوم‌شناختی و سرمایه فرهنگی صحه گذاشته است. با توجه به اینکه سرمایه فرهنگی دلالت بر شناخت و آگاهی دارد، هرچه میزان آگاهی مردم و تعلق خاطرشان به مسائل فرهنگی بیشتر باشد، نگرش حمایت‌کننده و مسئولانه‌تری به محیط زیست خود خواهند داشت. از سوی دیگر، اندیشمندان معتقدند، نگرش مسئولانه به محیط زیست، یک امر شناختی و فرهنگی است که می‌تواند پیوند مستقیمی بین شهروندی بوم‌شناختی و سرمایه فرهنگی به‌وجود آورد.

دیدگاه بوم‌شناسی انسانی نیز به این موضوع توجه کرده است. براساس این دیدگاه، جامعه بشری در مقایسه با دیگر عناصر طبیعت، در دو سطح حیاتی و فرهنگی سازمان یافته است؛ به این صورت که در ساختار جوامع انسانی در کنار عوامل زیست‌شناختی، عوامل فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و تغییرات فضایی و فرهنگی، در محیط شهر، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. به این ترتیب می‌توان دریافت که مسائل و موضوعات فرهنگی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان جامعه‌شناسی شهری بوده است. دیدگاه بوم‌شناسی ژرف نیز به‌روشنی بر توجه به موضوعات فرهنگی تأکید کرده است و بر ایجاد تغییرات ساختاری و ریشه‌ای در جایگاه انسان در جهان اکولوژیک از طریق سازوکار فرهنگی تأکید دارد (رودنبرگ، ۲۰۱۲). همچنین، بوم‌شناسی ژرف

بر مسئولیت‌پذیری فردی برای حفاظت از محیط زیست تأکید دارد. این رویکرد، تحول سبک زندگی مادی‌گرایانه افراد به سوی سادگی را از طریق تغییر فرهنگ جوامع، ضروری تلقی می‌کند؛ بنابراین، از دو دیدگاه مطرح‌شده استنباط می‌شود که هر دو بر نقش عوامل فرهنگی در مسئولیت‌پذیری انسان در برابر محیط زیست تأکید دارند؛ براین اساس، میزان برخورداری شهروندان از سرمایه فرهنگی می‌تواند به‌عنوان عامل مستقیم و تسهیل‌کننده، مسئولیت‌پذیری شهروندان را در ارتباط با محیط زیست خود تقویت کند. نظریه ارزش - باور - هنجار نیز تصریح می‌کند که رفتارهای زیست‌محیطی افراد براساس آگاهی از پیامدهای رفتارهای آنان شکل می‌گیرد. در این نظریه، عقاید افراد در مورد نتایج و مسئولیت‌پذیری، به میزان برخورداری آن‌ها از سرمایه فرهنگی، به‌ویژه بعد ذهنی آن، بستگی دارد. رویکرد اسلامی نیز تأکید می‌کند که نگرش به جهان اکولوژیک، نیازمند آگاهی و شناخت در مورد آن است و از دیدگاه جهان‌بینی اسلامی، مهم‌ترین کاربرد طبیعت، نقش آن در افزایش شناخت انسان بوده است؛ بنابراین، داشتن سرمایه فرهنگی بالا، نگرش مساعدتری به جهان اکولوژیک ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، طبیعت، منبعی برای ارتقای سرمایه فرهنگی قلمداد می‌شود که به‌صورت هم‌زمان عمل می‌کنند.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش حسین‌نژاد (۱۳۹۲) و صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) همسو است. براساس نتایج پژوهش صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱)، سرمایه فرهنگی، بیشترین تأثیر را بر رفتارهای زیست‌محیطی داشته است. حسین‌نژاد (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته است که در تبیین سبک زندگی محیط‌زیستی شهروندان تبریزی، متغیر سرمایه فرهنگی دارای بیشترین سهم بوده است. رفیعی و همکاران (۱۳۸۸) نیز در بررسی نقش آموزش در افزایش تمایل افراد به حفاظت از محیط زیست، به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. به این معنی که سرمایه فرهنگی بر میزان شناخت و آگاهی مردم دلالت دارد و هرچه میزان آگاهی مردم به مسائل فرهنگی بالاتر باشد، دارای رفتار و نگرش حمایتی‌تری می‌شوند. از سوی دیگر، نگرش به محیط زیست یک امر شناختی و فرهنگی است؛ بنابراین، می‌توان در حل مسائل محیط‌زیستی از عنصر سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار بهره‌برد. دابسون (۲۰۰۷) معتقد است، آموزش شهروندی، روشی برای ارتقای شهروندی زیست‌محیطی یا بوم‌شناختی است. مید (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود بر نقش آموزش و یادگیری در رفتارهای شهروندی بوم‌شناختی تأکید داشته است. در مطالعاتی که توسط چن و همکاران (۲۰۱۱) انجام شده، نشان داده شده است که افراد دارای تحصیلات بالاتر، تمایل بیشتری به انجام رفتارهای زیست‌محیطی داشته‌اند. همچنین، در پژوهش کلی و آبل (۲۰۱۲)، نقش تحصیلات تجربی در ترویج رفتار بوم‌شناختی بررسی شده



است؛ بنابراین، روشن است که تحصیلات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی می‌تواند در کنش‌های بوم‌شناختی شهروندان مؤثر باشد. همچنین، می‌توان در قالب ارائه بسته‌های آموزشی به شهروندان، به مفاهیم عمده اکولوژیکی زیست‌محیطی‌ای توجه کرد که هم باعث بالا رفتن سواد بوم‌شناختی شهروندان شده و هم مهارت‌های شهروندی را در آن‌ها تقویت می‌کند (شیرازی و شمسی، ۱۳۹۴، ۱۳۲).

یافته‌های دیگر این پژوهش، حاکی از این است که در میان مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی، بعد ذهنی سرمایه فرهنگی بیش از سایر مؤلفه‌های آن از توانایی تبیین و پیش‌بینی رفتارهای شهروندی بوم‌شناختی برخوردار بوده است؛ بنابراین، می‌توان گفت با افزایش یا کاهش سرمایه فرهنگی و به‌ویژه بعد ذهنی آن، می‌توان رفتارهای شهروندی بوم‌شناختی را در میان شهروندان تریزی تقویت کرد.

همان‌گونه که در ابتدای مقاله مطرح شد، اساس کار این پژوهش، مبتنی بر این بوده است که شهروندی بوم‌شناختی را به‌عنوان یک موضوع میان‌رشته‌ای و در قالب جامعه‌شناسی محیط زیست، بررسی کند. همچنان‌که ماهیت موضوعات میان‌رشته‌ای اقتضا می‌کند، باید با بهره‌گیری از شاخه‌های مختلف علمی، مسائل اجتماعی از چشم‌اندازهای گوناگون واکاوی شود. مزیت نسبی این پژوهش می‌تواند این باشد که دو امر زیستی و فرهنگی در راستای هم و همراه با هم مطالعه شده‌اند. نتایج پژوهش حاضر به‌خوبی نمایانگر این است که مسائل زیست‌محیطی و فرهنگی جدای از همدیگر نیستند و در جوامع انسانی همراه با هم عملی‌کنند؛ بنابراین، با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش می‌توان استنباط کرد که تغییر رفتارهای بوم‌شناختی شهروندان، به میزان برخورداری آنان از سرمایه فرهنگی بستگی دارد و شهروندان براساس میزان سرمایه فرهنگی خود، رفتارهای شهروندی بوم‌شناختی متفاوتی خواهند داشت.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۳۰

دوره نهم

شماره ۲

بهار ۱۳۹۶



## منابع

- اروین، آلن (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی و محیط زیست: درآمدی انتقادی بر جامعه، طبیعت و دانش (مترجم: صادق صالحی). بابلسر: دانشگاه مازندران.
- بابایی اقدم، فریدون؛ حسین‌زاده دلیر، کریم؛ و صدر موسوی، میرستار (۱۳۸۶). اکولوژی ازدحام شهری در حواشی شهر تبریز. جغرافیا و توسعه، ۹، ۱۸۰-۱۶۱.
- حسین‌نژاد، فهیمه (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با سبک زندگی زیست‌محیطی شهروندان شهر تبریز (پایان‌نامه دکتری). دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
- ریاضی، سید ابوالحسن (۱۳۹۲). شهر؛ پدیده‌ای میان‌رشته‌ای. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۶(۱)، ۱۱۵-۱۰۱. doi: 10.7508/isih.2014.21.005
- ساتن، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست (چاپ اول؛ ترجمه: صادق صالحی). تهران: سمت.
- سوندرز، پیتر (۱۳۹۱). نظریه اجتماعی و مسئله شهری (مترجم: محمود شارع‌پور). تهران: تیسرا.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی شهری (چاپ ششم). تهران: سمت.
- شبییری، سیدمحمد؛ و شمسی، سیده زهرا (۱۳۹۴). تحلیلی بر برنامه درسی میان‌رشته‌ای آموزش محیط زیست در آموزش عالی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۷(۳)، ۱۴۵-۱۲۷. doi: 10.7508/isih.2015.27.005
- صالحی، صادق؛ و امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱). سرمایه فرهنگی و رفتارهای زیست‌محیطی؛ مطالعه موردی استان کردستان. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲۸، ۹۱-۱۲۰.
- صالحی، صادق؛ و یازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳). تحلیل اجتماعی نقش شهروندی محیط زیستی در مقابله با پیامدهای تغییر آب و هوا. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۴(۱۱)، ۱۴۸-۱۲۷.
- صالحی، صادق؛ و کریم‌زاده، سارا (۱۳۹۳). بررسی تاثیر ارزش‌های زیست‌محیطی بر رفتار زیست‌محیطی؛ مطالعه مناطق شهری ارومیه. مسائل اجتماعی ایران، ۵(۲)، ۶۱-۷۶.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق.
- فالكس، کیت (۱۳۹۰). شهروندی (مترجم: محمد تقی دلفروز). تهران: کویر.
- فولتر، ریچارد؛ دنی، فردریک؛ و بهارالدین، عزیزان (۱۳۹۳). اسلام و محیط زیست (مترجم: محمد خواجه‌حسینی، و سیدشهاب‌الدین معین‌الدینی). مشهد: جهاد دانشگاهی.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۸). جامعه ریسک و اهمیت آن برای مطالعات استراتژیک. مطالعات راهبردی، ۱۲(۴۵)، ۴۷-۲۷.
- کهیل، مایکل (۱۳۸۷). محیط زیست و سیاست اجتماعی (مترجم: حسین حاتمی‌نژاد، و سهراب امیریان). تهران: دانشگاه تهران.





گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی (مترجم: حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.

مشفکر آزاد، محمدعلی؛ و خورشید دوست، علی محمد (۱۳۹۱). محیط زیست و نگرش اسلامی. تبریز: دانشگاه تبریز.

منتی‌زاده، میثم؛ زمانی، غلامحسین؛ و کرمی، عزت‌الله (۱۳۹۳). مدل‌یابی رفتار زیست محیطی زارعات شهرستان شیراز با استفاده از تنوری ارزش عقیده-هنجار استرن. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۵(۴)، ۶۲۴-۶۱۳.

نرگسیان، عباس (۱۳۹۳). مطالعات شهروندی؛ رویکرد شهروند مدار به مدیریت دولتی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هاشمی بناب، صدیقه؛ و رفیعی، حامد (۱۳۹۱). ارزش کاهش آلودگی زیست محیطی رودخانه آجی چای از دید شهروندان تبریزی. اقتصاد کشاورزی، ۶(۴)، ۹۰-۷۵.

هانیکان، جان (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی محیط زیست (مترجم: موسی عنبری، انور محمدی، و میلاد رستمی). تهران: دانشگاه تهران.

یزدخواستی، بهجت؛ حاجیلو، فتانه؛ و علیزاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی بوم‌شناختی با ردپای بوم‌شناختی؛ مورد مطالعه: شهروندان تبریز. اخلاق زیستی، ۳(۸)، ۱۳۲-۱۰۱.

Anantharaman, M. (2014). Networked ecological citizenship, the new middle classes and the provisioning of sustainable waste management in Bangalore, India. *Journal of Cleaner Production*, 63, 173-183. doi: 10.1016/j.jclepro.2013.08.041

Berkowitz, A., Ford, M., & Brewer, C. (2004). *A framework for integrating ecological literacy, civics literacy and environmental citizenship in environmental education*. Retrieved From [http://www.bioed.org/pubs/EE\\_chapter\\_berkowitz\\_et\\_al.pdf](http://www.bioed.org/pubs/EE_chapter_berkowitz_et_al.pdf)

Cahill, M. (2002). *The environment and social policy*. London and New York: Routledge.

Chen, X., Peterson, M. N., Vanessa, H., Chuntian, L., Graise D., Hong, D., & Liu, J. (2011). Effects of attitudinal and socio-demographic factors on pro-environmental behavior in urban China. *Environmental Conservation*, 38(1), 45-52. doi: 10.1017/S037689291000086X

Dagger, R. (1981). Metropolis, memory and citizenship. *American Journal of Political Science*, 25(4), 715-737.

Delanty, G. (2007). Theorizing citizenship in global age. In: W. Hudson, & S. Slaughter, *Globalization and Citizenship: The Transnational Challenge*, London: Taylor and Francis.

Dobson, A. (2003). *Citizenship & the environment*. Oxford: Oxford University Press.

Dobson, A. (2007). Environmental citizenship: Towards sustainable development. *Sustainable Development*, 15(5), 276-285. doi: 10.1002/sd.344

Dunlap, R. E., & Jones, R. E. (2002). Environmental concern: Conceptual and measurement issues. In R. E. Dunlap, & W. Michelson, (Eds.), *Handbook of Environmental Sociology* (pp. 482-524). Westport, London: Greenwood Press.



- Erlhoff, M., & Marshall, T. (Eds.). (2008). *Design dictionary: Perspectives on design terminology* [Electronic source]. Basel Birkh; User Verlag.
- Kelly, J. R., & Abel, T. D. (2012). Fostering ecological citizenship: The case of environmental service-learning in Costa Rica. *International Journal for the Scholarship of Teaching and Learning*, 6(2), Article 16. doi: 10.20429/ijstl.2012.060216
- Mead, M. E. (2013). *Promoting lasting ecological citizenship among college students* (M. A. Thesis in Environmental Policy Design). Lehigh University.
- Nally, M. J. V. (2010). *Citizen sprouts: Exploring the relationship between participation in community gardens and ecological citizenship* (M. Sc. Thesis). College of Arts and Sciences, Ohio University.
- Petrović, M. (2012). Developing responsible citizens in Serbia: The case of ecological citizenship. *European Quarterly of Political Attitudes and Mentalities*, 1(1), 48-61.
- Rothenberg, D. (2012). Deep ecology. In *Encyclopedia of Applied Ethics* (2<sup>nd</sup> ed.; pp. 738-744), 744-738.
- Smith, M. J. (1998). *Ecologism: Towards ecological citizenship*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Stern, P. C. (2000). Toward a coherent theory of environmentally significant behavior. *Journal of Social Issues*, 56(3), 407-424. doi: 10.1111/0022-4537.00175
- Stern, P. C., Dietz, T., Abel, T., Guagnano, G. A., & Kalof, L. (1999). A value-belief-norm theory of support for social movements: The case of environmentalism. *Human Ecology Review*, 6(2), 81-97.
- Ukaga, O., Maser, C., & Reichenbach, M., (2010). *Sustainable development: Principle, frameworks and case Studies*. London: Taylor and Frances.

# The role of cultural capital in the development of ecological citizenship

Mohammad-Bagher Alizadeh Aghdam<sup>1</sup>, Hossein Banifatemeh<sup>2</sup>,

Mohammad Abbaszadeh<sup>3</sup>, Saeed Soltani Bahram<sup>4</sup>

Received: May 13, 2016; Accepted: Dec. 26, 2016

## Abstract

The industrial and technological development of societies, a change in land use patterns and mismanagement in harnessing natural resources have resulted in vulnerability of lifecycle, plant and animal organisms, and natural landscapes. In this regard, environmental sociology, relying on an ecological interpretation, sets out to investigate environmental issues through the use of sociological knowledge. Therefore, a new concept of ecological citizenship has taken shape, focusing on the functionality, responsibility and cultural capital as important factors in promoting citizen responsibility. This survey investigates the relationship between ecological citizenship and cultural capital. The data collection instrument was a questionnaire developed on the basis of foreign studies, with its components identified and localized through exploratory factor analysis. The study population consisted of citizens of Tabriz over the age of 15, out of which 670 were selected using multi-stage cluster sample. The findings reveal that ecological citizenship 78.57% was relatively good. However, cultural capital at 52.97% was relatively low. The results of Pearson correlation proved a significant and positive correlation between cultural capital and its dimensions (except for the institution dimension) with ecological citizenship. Regression test results show that the three dimensions of cultural capital can account for the 7.4% in the variance of ecological citizenship.

*Keywords:* ecological citizenship, cultural capital, environmental sociology, Tabriz

---

1. Associate Professor of Sociology, Faculty of Law & Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author).

Email: [agmhdam1351@yahoo.com](mailto:agmhdam1351@yahoo.com)

2. Professor of Sociology, Faculty of Law & Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Email: [banifatemeh@yahoo.com](mailto:banifatemeh@yahoo.com)

3. Associate Professor of Sociology, Faculty of Law & Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Email: [m.abbaszadeh2014@gmail.com](mailto:m.abbaszadeh2014@gmail.com)

4. Ph.D. Candidate of Sociology, Faculty of Law & Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Email: [s.soltani@tabrizu.ac.ir](mailto:s.soltani@tabrizu.ac.ir)



## Bibliography

- Anantharaman, M. (2014). Networked ecological citizenship, the new middle classes and the provisioning of sustainable waste management in Bangalore, India. *Journal of Cleaner Production*, 63, 173-183. doi: 10.1016/j.jclepro.2013.08.041
- Babaei Aghdam, F., Hosseinzadeh Dalir, K., & Sadr Mousavi, M. S. (2007). Ecology-ye ezdehām-e šahri dar havāši-ye šahr-e Tabriz [Ecology of urban crowding in the urban fringes of Tabriz]. *Journal of Joghرافیā va Towse'el/Geography and Development*, 9, 161-180.
- Berkowitz, A., Ford, M., & Brewer, C. (2004). *A framework for integrating ecological literacy, civics literacy and environmental citizenship in environmental education*. Retreive From [http://www.bioed.org/pubs/EE\\_chapter\\_berkowitz\\_et\\_al.pdf](http://www.bioed.org/pubs/EE_chapter_berkowitz_et_al.pdf)
- Cahill, M. (2002). *The environment and social policy*. London and New York: Routledge.
- Cahill, M. (2008). *Mohit-e zist va siyāsāt-e ejtemā'i* [The environment and social policy] (H. Hataminejad, & S. Amirian, Trans.). Tehran, Iran: Tehran University Press.
- Chen, X., Peterson, M. N., Vanessa, H., Chuntian, L., Graise D., Hong, D., & Liu, J. (2011). Effects of attitudinal and socio-demographic factors on pro-environmental behavior in urban China. *Environmental Conservation*, 38(1), 45-52. doi: 10.1017/S037689291000086X
- Dagger, R. (1981). Metropolis, memory and citizenship. *American Journal of Political Science*, 25(4), 715-737.
- Delanty, G. (2007). Theorizing citizenship in global age. In: W. Hudson, & S. Slaughter, *Globalization and Citizenship: The Transnational Challenge*, Taylor and Francis.
- Dobson, A. (2003). *Citizenship & the environment*. Oxford: Oxford University Press.
- Dobson, A. (2007). Environmental citizenship: Towards sustainable development. *Sustainable Development*, 15(5), 276-285. doi: 10.1002/sd.344
- Dunlap, R. E., & Jones, R. E. (2002). Environmental concern: Conceptual and measurement issues. In: R. E. Dunlap, & W. Michelson, (Eds.), *Handbook of Environmental Sociology* (pp. 482-524). Westport, London: Greenwood Press.
- Erlhoff, M., & Marshall, T. (Eds.). (2008). *Design dictionary: Perspectives on design terminology* [Electronic source]. Basel Birkh; User Verlag.
- Faulks, K. (2011). *Šahrivandi* [Citizenship] (M. T. Delforouz, Trans.). Tehran, Iran: Kavir.
- Fazeli, M. (2003). *Masraf va sabk-e zendegi* [Consumption and life style]. Qom: Sobh-e Sādeq.
- Foltz, R., Denny, F. M., & Azizan, B. (2015). *Eslām va mohit-e zist* [Islam and ecology] (M. Khajehhosseini, & S. Sh. Moinoddini, Trans.). Mashhad: Jahād-e Dānešgāhi-ye.

- Ghasemi, M. A. (2009). Jāme'e-ye risk va ahammiyyat-e ān barāye motāle'āt-e strategic [Studies risk society and its implications to strategic studies]. *Journal of Motāle'āt-e Rāhbordi/Strategic Studies*, 12(45), 27-47.
- Giddens, A. (2010). *Jāme'ešenāsi* [Sociology] (H. Chavoshian, Trans.). Tehran, Iran: Ney.
- Hannigan, J. (2013). *Jāme'ešenāsi-ye mohit-e zist* [Environmental sociology] (1<sup>st</sup> ed.; M. Anbari, A. Mohammadi, & M. Rostami, Trans.). Tehran, Iran: Tehran University Press.
- Hashemibonab, S., & Rafiee, H. (2012). Arzeš-e kāheš-e āludegi-ye zistmohiti-ye Rudxāne-ye Ajichai az did-e šāhrvandān-e Tabrizi [Estimating subjective value of decreasing environmental pollution in Ajichai River from the viewpoint of Tabriz citizens]. *Journal of Eqtesād-e Kešāvarzi/Agricultural Economics*, 6(4), 75-90
- Hosseinejad, F. (2013). *Barresi-ye avāmel-e ejtemā'i-ye mortabet bā sabk-e zendegi-ye zistmohiti-ye šāhrvandān-e šahr-e Tabriz* [Investigating the social factors related with environmental life style in Tabriz] (Unpublished doctoral dissertation). Faculty of Law and Social Science, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
- Irvin, A. (2014). *Jāme'ešenāsi va mohit-e zist: Darāmadi enteqādi bar jāme'e, tabi'at va dāneš* [Sociology and the environment: Critical introduction to society, nature and knowledge] (S. Salehi, Trans.). Babolsar: Mazandaran University Publication.
- Kelly, J. R., & Abel, T. D. (2012). Fostering ecological citizenship: The case of environmental service-learning in Costa Rica. *International Journal for the Scholarship of Teaching and Learning*, 6(2), Article 16. doi: 10.20429/ijstl.2012.060216
- Mead, M. E. (2013). *Promoting lasting ecological citizenship among college students* (M. A. Thesis in Environmental Policy Design). Lehigh University.
- Menatizadeh, M., Zamani, Gh., & Karami, E. (2014). Modelyābi-ye raftār-e zistmohiti-ye zāre'āt-e šāhrestān-e Shiraz bā estefāde az te'ori-ye arzeš - aqide - hanjārestern [Modeling farmers' environmental behavior in Shiraz County by using value - belief - norm theory]. *Journal of Tahqiqāt-e Eqtesād va Towse'e-ye Kešāvarzi-ye Iran/Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 45(4), 613-624
- Motafakker Azad, M. A., & Khorshiddoost, A. M. (2012). *Mohit-e zist va negareš-e Eslāmi* [Environment and islamic thought]. Tabriz: Tabriz University Press.
- Nally, M. J. V. (2010). *Citizen sprouts: Exploring the relationship between participation in community gardens and ecological citizenship* (M. Sc. Thesis). College of Arts and Sciences, Ohio University.
- Nargesian, A. (2014). *Motāle'āt-e šāhrvandi; Ruykard-e šāhrvandmadār be modiriyat-e dowlati* [Citizenship studies: A citizen oriented approach to public administration] (1st ed.). Tehran, Iran: Tehran University Press.
- Petrović, M. (2012). Developing responsible citizens in Serbia: The case of ecological citizenship. *European Quarterly of Political Attitudes and Mentalities*, 1(1), 48-61.





- Riazi, S. A. (2013). Šahr; Padidei miyānreštei [City as an interdisciplinary phenomenon]. *Journal of Motāle'āt-e Miyānreštei dar Olum-e Ensāni/Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 6(1), 101-115. doi: 10.7508/isih.2014.21.005
- Rothenberg, D. (2012). Deep ecology. *Encyclopedia of Applied Ethics* (2<sup>nd</sup> ed.; pp. 738-744).
- Salehi, S., & Emamgholi, L. (2012). Sarmāye-ye farhangi va raftār-hā-ye zistmohiti; Motāle'e-ye moredi ostān-e Kurdistan [A study of role of cultural capital on environmental behavior; Case study, Kurdistan province]. *Journal of Anjoman-e Irāni-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ertebātāt/Cultural Studies and Communication*, 8(28), 91-120.
- Salehi, S., & Karimzadeh, S. (2014). Barresi-ye ta'sir-e arzešhā-ye zistmohiti bar raftār-e zistmohiti; Motāle'e-ye manāteq-e šahri-ye Urmia [Investigating the impact of environmental values on environmental behavior; The case study of Urmia urban areas]. *Journal of Masā'el-e Ejtemā'i-ye Iran/Social Problems of Iran*, 5(2), 61-76.
- Salehi, S., & Pazoukinejad, Z. (2014). Tahlil-e ejtemā'i-ye naqš-e šahrivandi mohit-e zisti dar moqābele bā payāmadhā-ye taghyir-e āb-o-havā [Social analysis of the role of environmental citizenship in tackling with effects of climate change]. *Journal of Motāle'āt-e Jāme'ešenāxti-ye Šahri/Sociological Studies of Urban Quarterly*, 4(11), 127-148.
- Saunders, P. (2012). *Nazariye-ye ejtemā'i va mas'ale-ye šahri* [Social theory and the urban question] (M. Share pour, Trans.). Tehran, Iran: Tisā.
- Share pour, M. (2008). *Jāme'ešenāsi-ye šahri* [Urban sociology] (6<sup>th</sup> ed.). Tehran, Iran: Samt.
- Shobeiri, S. M., & Shamsi, S. Z. (2015). Tahlili bar barnāme-ye darsi-ye miyānreštei-ye āmuzeš-e mohit-e zist dar āmuzeš-e āli [An analysis of the interdisciplinary curriculum of the of environmental education in higher education]. *Journal of Motāle'āt-e Miyānreštei dar Olum-e Ensāni/Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 7(3), 127-145. doi: 10.7508/isih.2015.27.005
- Smith, M. J. (1998). *Ecologism: Towards ecological citizenship*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Stern, P. C. (2000). Toward a coherent theory of environmentally significant behavior. *Journal of Social Issues*, 56(3), 407-424. doi: 10.1111/0022-4537.00175
- Stern, P. C., Dietz, T., Abel, T., Guagnano, G. A., & Kalof, L. (1999). A value-belief-norm theory of support for social movements: The case of environmentalism. *Human Ecology Review*, 6(2), 81-97.
- Sutton, P. W. (2013). *Darāmadī bar jāme'ešenāsi-ye mohit-e zist* [The environment: A sociological introduction] (1<sup>st</sup> ed.; S. Salehi Trans.). Tehran, Iran: Samt.
- Ukaga, O., Maser, C., & Reichenbach, M., (2010). *Sustainable development: Principle, frameworks and case Studies*. London: Taylor and Frances.
- Yazdkhasti, B., Hajiloo, F., & Alizadeh Aghdam, M. B. (2013). Barresi-ye rābete-ye sarmāye-ye farhangi-ye bumšenāxti bā radde pā-ye bumšenāxti; Mored-e motāle'e: Šahrivandān-e Tabriz [Investigating the relationship cultural capital and ecological footprint; Case of Tabriz citizens]. *Iranian Journal of Bioethics*, 3(8), 101-132.

## COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the [ISIH Journal](#).

This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution.

License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## HOW TO CITE THIS ARTICLE

Pegah Izadi, P., Hadiyani, Z., Hajinejad, A., & Qaderi, J. (2017). Alizadeh Aghdam, M.B., BanifatemeH, H., Abbaszadeh, M., & Soltani Bahram, S. (2017). The role of cultural capital in the Developing of Ecological Citizenship. *Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9(2), 107-133. doi: 10.22035/isih.2017.1754.2342



چگونه به این مقاله استناد کنیم:

علیزاده اقدم، محمدباقر؛ بنی فاطمه، حسین؛ عباسزاده، محمد؛ و سلطانی بهرام، سعید (۱۳۹۶). نقش سرمایه فرهنگی در تحقق شهروندی بوم‌شناختی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۹(۲)، ۱۰۷-۱۳۳. doi: 10.22035/isih.2017.1754.2342

[http://www.isih.ir/article\\_252.html](http://www.isih.ir/article_252.html)